

منظور از اینکه پیوسته دعا کنید چیست؟

دستور پولس در اول تسالونیکیان فصل ۵ آیه ۱۷ مبنی بر اینکه «پیوسته دعا کنید» می تواند گیج کننده باشد. واضح است که نمی تواند بدین معنا باشد که ما باید تمام طول روز چشمانمان بسته و سرمان رو به پایین باشد. پولس به بی وقفه صحبت کردن اشاره نمی کند، بلکه به حالت تسلیم بودن در برابر خدا و هوشیاری داشتن نسبت به او اشاره می کند که تمام وقت باید داشته باشیم. هر لحظه ای که بیدار هستیم باید در آگاهی از این که او در تمام وقت با ماست زندگی کنیم و اینکه او فعالانه در افکار و کارهایمان دخیل است.

وقتی که افکارمان به سمت نگرانی، ترس، ناامیدی، و خشم می رود، باید هوشیارانه و سریعاً هر فکری را به دعا، و هر دعایی را به شکرگزاری تبدیل کنیم. پولس در نامه اش به فیلیپیان به ما دستور می دهد که دست از نگرانی برداریم و در عوض «برای هیچ چیز غصه نخورید؛ در عوض برای همه چیز دعا کنید و هر چه لازم دارید به خداوند بگویید و فراموش نکنید که برای جواب دعاها، از او تشکر نمایید» (فیلیپیان فصل ۴ آیه ۶). او به ایمانداران در کولسی آموخت که «با هشیاری و شکرگزاری، خود را وقف دعا» کنند (کولسیان فصل ۴ آیه ۲). پولس ایمانداران افسس را تشویق کرد که دعا را مثل سلاحی ببینند که در نبردهای روحانی از آن استفاده کنند (افسیان فصل ۶ آیه ۱۸). هنگامی که روزمان را می گذرانیم، دعا باید اولین واکنش ما به هر موقعیت ترسناک، هر فکر پریشان، و هر کاری که خدا امر می کند و بر خلاف میل ماست، باشد. نبود دعا در زندگی موجب خواهد شد که به جای تکیه به فیض خدا، به خودمان تکیه کنیم. پیوسته دعا کردن اساساً تکیه مستمر بر پدر و معاشرت با او است.

دعا برای مسیحیان باید چیزی مثل نفس کشیدن باشد. مجبور نیستید فکر کنید تا نفس بکشید، زیرا اتمسفر، فشار را بر ریه هایتان اعمال می کند و اساساً شما را مجبور به نفس کشیدن می کند. به این خاطر، نگهداشتن نفس از نفس کشیدن سختتر است. مشابه این، وقتی که در خانواده الهی تولد تازه می یابیم، وارد اتمسفر روحانی می شویم که حضور خدا و لطف او، فشار یا نفوذ را بر زندگی مان اعمال می کند. دعا واکنش معمولی به این فشار است. ما ایمانداران همگی وارد اتمسفر الهی شده ایم تا هوای دعا را تنفس کنیم.

متأسفانه، بسیاری از ایمانداران «نفس روحانی» خود را برای مدت طولانی نگاه می داند، و فکر می کنند که اندک وقتی که با خدا می گذرانند برای زنده ماندن کافی است. اما محدود کردن مجرای روحانی شان بدین گونه، به خاطر امیال گناه آلود است. واقعیت این است که هر ایمانداری باید مستمراً در حضور خدا باشد، پیوسته در حقایق او تنفس کند، و تماماً وظیفه مند باشد.

برای مسیحیان آسانتر است که به جای تکیه بر فیض خدا، با بهره‌کشی از آن، احساس امنیت کنند. ایمانداران بسیاری زیادی با برکات مادی راضی می‌شوند و تمایل کمی به برکات روحانی دارند. وقتی که برنامه‌ها، شیوه‌ها، و پول، نتایج حیرت‌انگیزی به بار می‌آورد، این گرایش وجود دارد که موفقیت بشری را با برکت الهی اشتباه بگیرند. وقتی که چنین اتفاقی می‌افتد، اشتیاق برای خدا و اشتیاق برای کمک او از بین می‌رود. دعای مستمر، پیوسته و بی‌وقفه، جزء ضروری زندگی مسیحی است و از فروتنی و تکیه بر خدا سرچشمه می‌گیرد.